

بررسی علل تمایل به خودکشی در میان دانشجویان شهرستان مرند براساس نظریه اگنیو

نگار بهاری دلگشا

کارشناس ارشد روانشناسی

Investigating the Causes of Suicidal Tendencies Among Marand City Students Based on Agnew's Theory

Negar Bahari Delgosha

Master of Psychology

Abstract

Agnew's pressure theory is a criminological theories. popularity of this theory is due to its scope , which allows researchers to investigate the effects of a range of structural and psychological stressors on a range of traumatic outcomes. Although this theory, in addition to explaining crime, has been developed and tested, it can also be used for similar behaviors such as substance abuse, deviant behaviors, and suicide. Since the conducted investigations show that no research has been done in the country in the field of student suicide from the perspective of Agnew's pressure theory, therefore, in the present study, the applicability of this theory in explaining the tendency to commit suicide among students was tested. main purpose of the current research explained the desire to commit suicide among students of Mazandaran . To achieve purpose, research method and questionnaire tool were used to collect information. The statistical population of this research is made up of all the students studying in Marand University in the academic year of 1401-1400, and a total of 200 students selected by random sampling of proportional . results of research show that mental pressure, relational pressure and removal of positive stimuli have a direct and significant relationship with the dependent variable (suicidal tendency). a direct and significant relationship between pressure and negative emotional states of students has been observed. prediction of suicidal tendency is the removal of positive stimulus, followed by pressure and relationships.

Keywords: *Suicidal tendencies, stress, relations, pressure, dignity, negative emotions*

چکیده:

نظریه فشار عمومی اگنیو، یکی از معروفترین نظریه های جرم شناختی است. معروفیت این نظریه ناشی از قلمرو و گستره آن است که به محققان اجازه میدهد درباره آثار طیفی از محرکهای تنشزای ساختاری و روانشناختی بر روی گسترهای از پیامدهای آسیبزا تحقیق کنند. گرچه این نظریه، افزون بر تبیین جرم توسعه یافته و مورد آزمون قرار گرفته، همچنین میتواند برای رفتارهای مشابه مثل سوء مصرف مواد، رفتارهای انحرافی و خودکشی نیز استفاده شود. از آنجا که بررسیهای انجام شده نشان میدهند که در داخل کشور پژوهشی در زمینه بررسی خودکشی دانشجویان از دیدگاه نظریه فشار اگنیو انجام نشده است، لذا در پژوهش حاضر، کاربردیتری این نظریه در تبیین تمایل به خودکشی در میان دانشجویان مورد آزمون قرار گرفت. هدف اصلی تحقیق حاضر تبیین تمایل به خودکشی در میان دانشجویان دانشگاه مرنند بوده است. برای نیل به این منظور از روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه مرنند در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل داده اند، که در مجموع ۲۰۰ نفر از این دانشجویان به روش نمونه گیری تصادفی طبقهای متناسب انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان میدهد که فشار منزلی، فشار رابطه ای و حذف محرک مثبت با متغیر وابسته (تمایل به خودکشی) رابطه مستقیم و معناداری داشتند. همچنین رابطه مستقیم و معناداری بین فشار و حالات عاطفی منفی دانشجویان مشاهده شده است. قویترین پیشبینی کننده تمایل به خودکشی، حذف محرک مثبت است و پس از آن فشار منزلی و رابطه ای در رتبه های بعدی قرار داشته اند.

کلیدواژه ها: تمایل به خودکشی، فشار رابطه ای، فشار منزلی، احساسات منفی

مقدمه

مسائل اجتماعی جامعه، پدیده هایی اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه؛ یعنی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قرار میگیرند و مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزشها و کمال مطلوبها می-شوند. این مسائل اجتماعی به عنوان پدیده هایی نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول میدارند، به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آنها پدید میآید و مقامات رسمی کشور را به چاره جویی و اقدام در جهت اصلاح و رفع و یا پیشگیری از آنها واء میدارد (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۱). یکی از رفتارهای پرخطر در جامعه کنونی که در زمره مسائل و آسیبهای اجتماعی رایج قرار میگیرد، خودکشی است، که تغییر ساختاری و جوانترشدن افراد جوانی که اقدام به این رفتار میکنند نیز بر اهمیت این مسأله افزوده است (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). این پدیده به عنوان نقطه پایانی طیفی توصیف شده که با ایده پردازی خودکشی (فکر کردن به خودکشی) شروع و با برنامه ریزی و آماده سازی برای خودکشی و در نهایت با تهدید، اقدام و تکمیل خودکشی همراه میشود (باریوس و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۲۹). تحقیقات نشان داده اند که سابقه گذشته از اقدام به خودکشی، بهترین شاخص برای اقدام به خودکشی و خودکشی کامل در آینده است (اسپوزیتو و همکاران، ۲۰۰۳).

خودکشی یک مسأله بهداشتی مهم در میان جوانان در سرتاسر جهان است (هیرسچ و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۷۷)؛ به طوری که براساس آمارها و پژوهشهای موجود در خارج از کشور، سومین علت عمده مرگ در گروه سنی ۱۵-۲۴ سال (هوبرت و همکاران، ۱۹۹۹؛ اندرسون و اسمیت، ۲۰۰۳) و دومین علت عمده مرگ در میان دانشجویان است (شوارتز، ۲۰۰۶، مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری، ۲۰۰۷، ونگ، ۲۰۱۱: ۳؛ محمدی نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴). طبق مطالعاتی که در سال (۲۰۰۱) در کشور ایالات متحده صورت گرفت، مشخص شد که ۹/۵ درصد از دانشجویان کالج در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ به صورت جدی به خودکشی فکر میکنند و ۱/۵ درصد از آنها نیز به خودکشی اقدام کرده اند (کیسچ و همکاران، ۲۰۰۵). علاوه بر این یافته های مطالعاتی دیگر در ایالات متحده گویای آن بود که در فاصله سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴، ۱۴۰۴ مورد خودکشی در طول این ۱۴ سال گزارش شده است که میزان آن معادل ۶/۵ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار دانشجو بوده است (شوارتز، ۲۰۰۶).

در ایران نیز شواهد موجود بیانگر آن است که میزان خودکشی، بخصوص در میان جوانان در سالهای اخیر در حال افزایش است. مطابق با آمار دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در ایران در فاصله سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳، ۲۹۲ مورد خودکشی در بین دانشجویان گزارش شده، که از این میان ۲۵ مورد (۸/۶ درصد) خودکشی کامل بوده است (رضایی آدریانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۲). همچنین، پناغی و همکاران (۱۳۸۷) با بررسی آمار پزشکی قانونی نشان دادند در سالهای ۸۵-۱۳۸۳ تعداد ۲۳۰ خودکشی در دانشجویان زیر پوشش وزارت علوم رخ داده است، که بر پایه آن بیشینه نرخ خودکشی دانشجویی در ایران ۳ در ۱۰۰۰۰ نفر است. بنابراین، میتوان گفت که دانشجویان به عنوان قشر جوان جامعه، از جمله گروه های سنی آسیبپذیر در برابر خودکشی هستند. دوران دانشجویی، دوره انتقالی مهمی است که طی آن فرد فشارهای تحصیلی، انتخاب های شغلی، تصمیم گیری در مورد اهداف زندگی و تنهایی و دوری از خانواده و شبکه حمایت اجتماعی را پشت سر میگذارد (پناغی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۸). خودکشی و ایده پردازی خودکشی در میان

این نظریه میشود، بلکه میتواند به نحو بهتری ما را در شناخت علل و عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای خودکشانه و ارائه راهکارهای مؤثر بر مبنای نظریه فشار عمومی اگنیو یاری رساند. علاوه بر این، مطالعه تمایل به خودکشی به برنامه ریزان کمک میکند تا برنامه های لازم برای کنترل و کاهش رفتارهای خودکشانه در میان دانشجویان را بر اساس دلالت های سیاسی مبتنی بر نظریه های فشار، به خصوص نظریه فشار عمومی اگنیو طراحی و اجرا کنند.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی های انجام شده در داخل کشور، اگرچه در مورد خودکشی و مسائل مربوط به آن پژوهش های متعددی صورت گرفته است، ولی به نظر میرسد که هیچ تحقیقی نظریه فشار عمومی اگنیو را به عنوان یک مدل تبیینی برای خودکشی مورد آزمون قرار نداده است. از این رو، در این تحقیق در بخش تحقیقات داخلی صرفاً به تحقیقاتی پرداخته شد که صرف نظر از چهارچوب نظریشان به بررسی خودکشی در میان دانشجویان پرداخته اند. بر خلاف تحقیقات داخلی، با بررسی تحقیقات انجام شده در خارج از کشور، مشخص شد که شمار اندکی از این تحقیقات، این نظریه را به عنوان یک مدل تبیینی برای خودکشی آزمون کرده اند. از این رو، در بخش تحقیقات خارجی صرفاً به تحقیقاتی که از دیدگاه نظریه فشار عمومی اگنیو به بررسی خودکشی پرداخته اند، اشاره شده است.

اگنیو (۱۹۹۸) پژوهشی را با عنوان «پذیرش خودکشی: یک مدل روان شناختی اجتماعی» انجام داده است که هدف از انجام آن، توسعه و آزمون مدلی بود که در پی تبیین تغییرات فردی در پذیرش خودکشی بر حسب ویژگیها و مشخصه های فردی در محیط اجتماعی بود. مدل مورد نظر بر اساس سه تئوری عمده در جرم و انحراف؛ یعنی تئوری های فشار، یادگیری اجتماعی و کنترل اجتماعی طراحی شده بود. در این تحقیق، از داده های مربوط به پیمایش عمومی اجتماعی سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ که توسط مرکز تحقیقات نظرسنجی ملی در دانشگاه شیکاگو صورت گرفته است، استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که فشار، استرس و پیوند اجتماعی ضعیف با دیگران نسبتاً تأثیر کمی بر پذیرش خودکشی دارند.

وات و شارپ (۲۰۰۱) پژوهشی را با عنوان «تفاوت های جنسیتی در فشارهای مرتبط با رفتارهای خودکشیگرا در میان نوجوانان» انجام داده اند، که برای این کار از داده های بهداشتی نوجوانان در ایالت کارولینای شمالی آمریکا استفاده شده است. مطالعه مذکور، با استفاده از نمونه گیری خوشه ای، اطلاعاتی را در مورد اقدام به خودکشی برای تقریباً ۱۹ هزار نوجوان فراهم نمود. اقدام به خودکشی به عنوان متغیر وابسته و فشارهای منزلتی و رابطه ای به عنوان متغیرهای مستقل در این تحقیق هستند. یافته های توصیفی این پژوهش نشان دادند که بین ۱۹۰۰۰ نوجوانی که با آنها مصاحبه

جوانان با پیشینی کننده هایی، مثل طرد و احاطه اجباری خانواده (فریدن تهال و استیفمن، ۲۰۰۴؛ پلکونن و ماراتونن، ۲۰۰۳؛ بچتولد، ۱۹۹۴) عملکرد تحصیلی ضعیف (گروسمن، میلیکان و دیو، ۱۹۹۱) و مسائل مربوط به سلامت روانی، از جمله افسردگی (لماستر و همکاران، ۲۰۰۴؛ سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۲، به نقل از والز و همکاران، ۲۰۰۷) پر خاشگری، نومیدی، کمالگرایی و عزت نفس پایین (وات و شارپ، ۲۰۰۲: ۲۳۵) گره خورده است.

به علت نقش مهمی که دانشجویان در اداره آینده کشور به عهده دارند، توجه به سلامت روان آنها و آشنایی با مسائل و مشکلاتی که در واقع شالوده بحرانهای رفتاری، به ویژه رفتار اجتماعی آنان است، ضروری است و هر گونه عدم آشنایی با این مسائل، ممکن است سبب تشدید واکنشهای زمینه ساز در بروز رفتارهای غیرعادی خطرناکی شود که می تواند دامن گیر جامعه هم گردد. در این شرایط جامعه نه تنها بخشی از نیروهای مولد خود را از دست میدهد، بلکه به علت بیماری ها، معلولیتها و آسیب های جسمی و روانی- اجتماعی ناشی از این معضل، باید هزینه های نگهداری و ارائه مراقبتهای خاص را برای سالهای طولانی بپردازد. از سوی دیگر، خودکشی به سلامت روان اعضای خانواده قربانیان آسیب می زند، تأثیرات منفی بر زندگی اجتماعی آنها به جای میگذارد و احتمال وقوع آن را در محیط خانواده و اجتماع افزایش میدهد (علیوردینا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). لذا، شناخت همه جانبه این پدیده در میان جوانان و دانشجویان در جهت اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه، ضروری به نظر میرسد.

نظریه فشار عمومی اگنیو، که امروزه یکی از معروفترین نظریه های جرم شناختی است و معروفیت آن ناشی از قلمرو و گستره آن است، به محققان اجازه میدهد تا در مورد آثار طیفی از محرکهای تنشزای ساختاری و روان شناختی بر روی گستره های از پیامدهای آسیبزا تحقیق کنند (همان، ۲۲۰). در واقع، گرچه این نظریه، برای تبیین جرم توسعه یافته و مورد آزمون قرار گرفته، همچنین میتواند برای رفتارهای مشابه مثل سوء مصرف مواد، رفتارهای انحرافی و خودکشی نیز استفاده شود (استاک و واسرمان، ۲۰۰۷: ۱۰۴). نظریه فشار عمومی اگنیو، به ویژه برای تبیین خودکشی در میان جوانان مناسب است، چون آنها فاقد قدرت هستند و اغلب مجبورند تا در موقعیتهایی که آن را آزارنده میدانند، باقی بمانند (والز و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۲۱). لذا، تحقیق حاضر به دنبال تبیین جامعه شناختی تمایل به خودکشی در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مرنده است. به عبارت دیگر، هدف از تحقیق حاضر این است که طیفی از محرکهای تنشزا از دیدگاه نظریه فشار عمومی اگنیو در ارتباط با رفتارهای خودکشانه بررسی کند. از آنجا که بررسی های انجام شده نشان میدهند، در داخل کشور پژوهشی در زمینه بررسی خودکشی دانشجویان از دیدگاه نظریه فشار اگنیو انجام نشده است. لذا انجام این تحقیق نه تنها موجب ارزشیابی یا تأیید اعتبار تجربی

آزمون کرد. یافته های توصیفی این پژوهش بیانگر آن بودند که هم تجربه فشار و هم احساسات منفی ناشی از آن، هر دو ماهیتاً جنسیتی هستند. زنان در مقایسه با مردان بیشتر احتمال داشت که دوستان و اعضای خانوادهاش داشته باشند که در یک سال گذشته خودکشی کرده باشند، درحالی که مردان با احتمال بیشتری نسبت به زنان قربانی خشونت شده بودند. یافته ها همچنین نشان داد در حالی که هیچ تفاوت آماری معناداری بین مردان و زنان با توجه خشم وجود ندارد، زنان سطوح بالاتری از افسردگی را نسبت به مردان گزارش کردند.

تحقیقی دیگر توسط ژانگ و همکاران (۲۰۱۱) با عنوان «تنش های روان شناختی و خودکشی جوانان در چین» انجام شده است. در این مطالعه، ترکیبی از نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیش بینی خودکشی که به فرهنگ چینی مرتبط است، در ارتباط با خودکشی شناسایی شد و نظریه فشار از خودکشی، با داده های چینی مورد آزمون قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل مردان و زنان جوان در گروه های سنی ۳۴-۱۵ سال از ۱۶ منطقه روستایی در چین در سال ۲۰۰۸ هستند، که از این تعداد ۳۹۲ مورد خودکشی و ۴۱۶ گروه کنترل به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از نمونه مورد نظر با دو فرد مطلع برای هر خودکشی و هر گروه کنترل مصاحبه شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهند که ازدواج و مذهب یا تعصب مذهبی در میان زنان جوان روستایی، عامل تمایز گروه خودکشی از گروه کنترل نیستند و فشارهای روان شناختی در شکل هایی از قبیل: محرومیت نسبی، آرزوهای تحقیق یافته و فقدان مهارت های مقابله با خودکشی ارتباط معناداری داشتند.

با بررسی تحقیقات انجام شده در داخل کشور، می توان گفت که تعداد کمی از این تحقیقات در زمینه بررسی خودکشی در میان دانشجویان بوده است، که از این میزان، تنها تعداد ناچیزی گرایش به خودکشی را در این گروه جمعیتی بررسی کردند. همچنین، تعداد اندکی از تحقیقات انجام شده در زمینه خودکشی در میان دانشجویان از منظر جامعه شناختی این پدیده را بررسی کردند. علاوه بر این، با بررسی تحقیقات انجام شده در داخل کشور، میتوان گفت که به نظر میرسد هیچ تحقیقی نظریه فشار عمومی اگنیو را به عنوان یک مدل تبیینی برای خودکشی آزمون نکرده است. متأسفانه، به واسطه مدیکالیزه شدن مسائل اجتماعی عمده تحقیقات داخلی انجام شده در این زمینه، از منظر روان شناختی و پزشکی به این مسأله پرداختند که اغلب آنها به بررسی ویژگی های شخصیتی و روانی و همچنین، وضعیت سلامت جسمانی فرد خودکشی میپردازند و خلأ جدی در این حوزه پژوهشی وجود دارد. مدیکالیزه شدن، فرآیندی است که در آن مشکلات غیر پزشکی به نوعی تعریف میشود و به گونه ای برخورد میشود که گویی مسئله ای پزشکی است. در این فرآیند، با هویت پزشکی بخشیدن به حوزه هایی که قبلاً غیر پزشکی تعریف

شد، ۲ تا ۶ درصدشان اظهار کردند که در یک سال گذشته به خودکشی اقدام نموده اند که این میزان، برای زنان به طور در خور توجهی بیشتر از مردان بوده است. نتایج همچنین نشان دهنده آن بود که مردان و زنان به هر دو نوع فشار (رابطه ای و منزلتی) واکنش نشان میدهند، اما زنان تمایل بیشتری نسبت به فشارهای رابطه ای و مردان نیز تمایل بیشتری به فشارهای منزلتی مرتبط با اقدام به خودکشی دارند. به طور کلی، از مهمترین یافته های این تحقیق این بوده که داشتن دوستان نزدیک، به صورت مثبت با اقدام به خودکشی برای زنان رابطه دارد.

والز و همکاران (۲۰۰۷) پژوهشی را با عنوان «فشار، هیجان و خودکشی در میان جوانان آمریکایی» انجام داده اند که در آن مطلوبیت نظریه فشار عمومی اگنیو، برای تبیین رفتارهای خودکشانه در میان جوانان آمریکایی مورد آزمون تجربی قرار گرفته است. داده های این پژوهش از ۷۲۱ جوان از آمریکای مرکزی و کانادا گردآوری شد. در این مطالعه آثار فشار و محرکهای تنشزا بر روی خودکشی از طریق آزمون آثار واسطه ای احساسات منفی بر روی روابط بین محرکهای تنشزا و تمایل به خودکشی، مورد سنجش قرار گرفت. یافته های این پژوهش نشان دهنده آن بود که فشارها و محرکهای تنشزا متعددی با تمایل به خودکشی در ارتباطند که عبارتند از: سختگیری والدین، بی سرپرستی، گرایشهای منفی مدرسه و مورد تبعیض قرار گرفتن. یافته ها همچنین نشان دادند که علایم افسردگی و خشم به عنوان آثار واسطه ای، پیشینی کننده های مهمی برای خودکشی محسوب میشوند.

سیگفوس دوتیر و همکاران (۲۰۰۸) در مقاله ای با عنوان «مدل اثرات بهره کشی جنسی بر روی رفتار خودکشانه و بزهکاری: نقش احساسات به عنوان عوامل واسطه ای» با استفاده از آزمون برخی از اصول نظریه فشار عمومی اگنیو به بررسی این پرداختند که آیا حالات افسردگی و خشم به عنوان آثار واسطه ای بهره کشی جنسی، بر روی رفتارهای خودکشانه و بزهکاری تأثیر دارند یا نه؟ داده های این پژوهش از پیمایش ملی نوجوانان ایسلندی در سال ۲۰۰۴ جمع آوری شده بود. در این پژوهش مدل سازی معادله ساختاری نشان داد که برخلاف بزهکاری به ظاهر مستقیم، که احساس خشم در آن دارای نفوذ بیشتری است، در رفتارهای خودکشانه، افسردگی از نفوذ بیشتری نسبت به احساس خشم برخوردار است.

کافمن (۲۰۰۹) مقاله ای را با عنوان «پاسخهای جنسیتی به فشارهای جدی: استدلالی برای نظریه فشار عمومی» انجام داده است. در این پژوهش، از داده های ی که قبلاً توسط سازمان ملی سلامت نوجوانان در کارولینا گردآوری و شامل ۱۲۰۱۸ نفر از دانش آموزان دختر و پسر اهل کارولیناست، استفاده شد. کافمن با استفاده از داده های مربوط به سلامت نوجوانان، تجربه احساسی و رفتاری ناشی از فشارهای جدی را بر اساس تفاوت های جنسیتی

می شد، مثل آسیبهای اجتماعی، قلمرو علم پزشکی به حوزه های غیرپزشکی نیز گسترش میابد (علیوردی نیا، ۱۳۸۹: ۶۹). درواقع، گفتمان پزشکی، بر شخصیت فرد از طریق ابزار بیرونی (پزشکان، روانپزشکان، تجویز دارو و...) تمرکز دارد (همان: ۷۰). همچنین، فقدان چهارچوب نظری و ضعفهای روش شناختی از مصادیق بارز بسیاری از پژوهشهای انجام شده در داخل کشور در زمینه خودکشی است. از سوی دیگر، بسیاری از این پژوهشها در سطح توصیفی بوده و از حد همبستگیهای ساده آماری فراتر نرفته است. لذا سهم پژوهشهای جامعه شناختی که مبتنی بر بینش تئوریک بوده و در پی تبیین سهم عوامل اجتماعی مؤثر بر آن باشد، اندک است (علیوردینیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳). از مهمترین یافته های تحقیقات داخلی که میتوان به آن اشاره کرد، این است که عواملی مثل میزان افسردگی، وابستگی به الکل، پیشرفت تحصیلی، نظارت خانواده، طلاق والدین، حمایت اجتماعی و میزان بزهکاری، از جمله عوامل مهمی هستند که با خودکشی دانشجویان در ارتباط هستند.

برخلاف تحقیقات داخلی، در خارج از کشور درباره تئوری فشار عمومی اگنیو و خودکشی مطالعات و پژوهشهایی انجام شده است. از مهمترین یافته های تحقیقات انجام شده در خارج از کشور که میتوان به آن اشاره کرد، این است که عوامل فشارزا مثل: والدین مقتدر، بیسرپرستی، تجارب منفی مدرسه، قربانی تبهکاری شدن و فشار اقتصادی، از جمله عوامل مهم در ارتباط با خودکشی بوده و در اکثر موارد حالات عاطفی منفی مثل خشم و افسردگی به عنوان عوامل واسطه ای در تبیین خودکشی اثرگذار بوده اند. همچنین، اغلب مطالعات انجام شده در این زمینه به ابعاد خاصی از نظریه فشار عمومی اگنیو پرداخته اند و جمعیت تحقیق از دانشجویان دانشگاهها یا کالج ها نبوده اند. لذا جای یک تحقیق جامعه شناختی که تمامی منابع فشار اگنیو را برای تبیین خودکشی و آن هم در میان دانشجویان بررسی کند، در این تحقیقات خالی است.

چهارچوب نظری

نظریه های فشار از جمله نظریه های ساختاری هستند که به دلیل داشتن محدودیتهایی در معرض انتقاد شدید قرار گرفته اند. به دنبال این انتقادات، رابرت اگنیو از جمله کسانی بود که به حمایت از این نظریه برآمد و برای پاسخ به این انتقادات نظریه مذکور را مورد بررسی مجدد قرار داد و دوباره تدوین کرد (علیوردی- نیا، ۱۳۸۹: ۹۷). مخربترین عاملی که موجب سقوط نظریه فشار کلاسیک گردید، پشتیبانی تجربی ضعیف آن در سطح فردی بوده است. در نظریه فشار کلاسیک، محققان معمولاً فشار را به عنوان شکاف بین آرزوها و انتظارات شغلی و آموزشی بررسی کردند که حمایت از نظریه فشار در این شکل ضعیف بوده است. با این حال، گرچه برخی از تحقیقات از طریق سنجش فشار به عنوان شکاف بین اهداف اقتصادی و آرزوهای تحصیلی از تئوری فشار حمایت

کردند، قدرت تبیینی متغیرهای فشار در ارزیابی با متغیرهایی از سایر تئوریه ها (مثل تئوری کنترل و یادگیری اجتماعی) ضعیف بوده است (مازول، ۱۹۹۸: ۶۷). در تلاش برای احیای مجدد تئوری فشار در سطح فردی، اگنیو در سال (۱۹۹۲) نظریه فشار عمومی را در ادامه نظریه های قبلی فشار توسعه داد (وق ۲۰۱۱: ۱۷). مطابق با نظریه فشار عمومی، فشار به عنوان روابط منفی با دیگران تعریف میشود: روابطی که در آن دیگران آن گونه که فرد میخواهد با او رفتار شود، رفتار نمیکنند (ساویج، ۲۰۱۱: ۳۸؛ اگنیو، ۱۹۹۲: ۴۸؛ وارهام، ۲۰۰۵: ۲۲). برخلاف نظریه های فشار پیشین که بر فشار اقتصادی متمرکز بودند، اگنیو بر پیچیده بودن فشار در جامعه مدرن تأکید داشت (سیگل و سینا، ۱۹۹۷: ۱۶۹). از این رو، وی در نظریه فشار عمومی خود به سه منبع اصلی فشار اشاره میکند که این منابع عبارتند از:

فشار ایجاد شده به خاطر شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت

بر اساس اولین جزء از نظریه فشار عمومی اگنیو، افرادی که در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت خود شکست می خورند، فشار را تجربه خواهند کرد (برگرن، ۲۰۱۰: ۱۷). این نوع از فشار خود به سه مقوله فرعی تقسیم بندی میشود که عبارتند از: الف) گسست میان آرزوها و توقعات؛ ب) گسست میان توقعات و دستاوردهای واقعی؛ ج) گسست میان پیامدهای مورد انتظار و پیامدهای واقعی (بلونیز و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۵۰).

حذف محرک های ارزشمند مثبت

دومین منبع فشار، حذف محرک های ارزشمند مثبت را در بر میگیرد. این نوع از فشار شامل ترس از دست دادن یا از دست دادن واقعی محرک های ارزشمند مثبت است. اگنیو استدلال میکند که افراد ممکن است سعی کنند تا از دست دادن این محرک ها جلوگیری کنند و در نتیجه ممکن است خودشان را در اعمال خلاف درگیر کنند (پک، ۲۰۱۱: ۱۳)؛ برای مثال، از دست دادن دوست پسر یا دوست دختر، مرگ یا بیماری وخیم یک دوست، انتقال به یک مدرسه جدید، طلاق یا جدایی والدین، اخراج شدن از مدرسه و وجود شرایط ناسازگار متنوع در کار میتواند موجب فشار باشد (گالوپ، ۲۰۰۶: ۱۱). به طور کلی، هنگامی که فرد سعی در مقابله با حذف محرک مثبت دارد، یا به دنبال انتقام از کسانی است که آن انگیزه مثبت را از او گرفتند و یا زمانی که سعی در جایگزین کردن آن با استفاده از مواد غیرمجاز دارد، نتیجه آن ممکن است بزهکاری باشد (وارهام، ۲۰۰۵: ۲۶).

حضور محرک های منفی

سومین منبع فشار، از طریق مواجهه با محرک های منفی یا مضر ایجاد میشود. محرک های مضر یا منفی، موقعیتهای قدرتمندی هستند که افراد، خصوصاً جوانان، به آسانی نمی توانند از آن اجتناب کنند

(وارهام، ۲۰۰۵: ۲۶). مثالهایی از چنین محرک‌هایی، شامل: کودک آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زدوخورد بین همسالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی، از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا است (علی‌وردینیا، ۱۳۸۹: ۹۹). داده‌های زیادی بیانگر این هستند که ارائه محرک‌های مضر ممکن است، به تجاوز و سایر پیامدهای منفی در شرایط معین منجر شود؛ حتی زمانی که فرار قانونی از چنین محرک‌هایی امکان‌پذیر باشد. زمانی که جوان تلاش می‌کند تا: ۱. از محرک‌های منفی اجتناب یا فرار کند؛ ۲. محرک‌های منفی را کاهش دهد و یا پایان بخشد؛ ۳. دنبال جایگزینی برای منبع انگیزه منفی یا اهداف مرتبط با آن باشد؛ ۴. از طریق استعمال غیرقانونی مواد مخدر پیامد آثار محرکات منفی را خنثی کند. محرک مضر ممکن است به بزهکاری منجر شود (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۸).

فشار منزلتی و رابطه ای و خودکشی

زمانی که فرد برای دستیابی به یک منزلت خاص استرس را تجربه میکند و آن منزلت برای فرد در جامعه مهم است، فشار منزلتی اتفاق می‌افتد. شاخصهای بالقوه فشار منزلتی برای نوجوانان موفقیت‌های تحصیلی پایین‌تر و مشغولیت در مدرسه را شامل میشود. وات و شارپ در سال (۲۰۰۱) دریافتند که فشار منزلتی برای نوجوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده برای ایده‌پردازی خودکشی است. همچنین، موفقیت تحصیلی از طریق نمره معدل توسط لوینسون و همکاران در سال (۱۹۹۶) برای بررسی فشار منزلتی نوجوانان ارزیابی شد. آنها نیز دریافتند که رابطه معنیداری بین منزلت (معدل کم) و ایده‌پردازی خودکشی در میان نوجوانان وجود دارد. هنگامی که فرد در تلاش برای داشتن یک رابطه مثبت با خانواده و همالانش، استرس را تجربه میکند، فشار رابطه ای اتفاق می‌افتد. فشار رابطه ای (رابطه با همالان و رابطه با پرستار) توسط محققان پیشینی کننده مهمی برای ایده‌پردازی خودکشی بوده‌اند. وات و شارپ در سال ۲۰۰۱ دریافتند که فشارهای رابطه ای زمانی که دو متغیر جنسیت و قومیت کنترل شدند، با ایده‌پردازی خودکشی در میان نوجوانان در ارتباط بوده است. رابطه با خانواده و همالان (برای مثال، فروپاشی روابط یا نزاع با والدین) به طور ویژه منابع مهمی از فشار بودند که موجب رفتار و ایده‌پردازی خودکشی می‌شدند. به طور کلی، دو نوع فشار منزلتی و رابطه ای، برای تبیین اینکه چرا برخی از نوجوانان محتمل‌ترند تا نسبت به سایر نوجوانان ایده‌پردازی خودکشی داشته باشند، میتوانند به عنوان دو عامل مهم بررسی شوند.

کاربرد نظریه فشار عمومی برای بررسی خودکشی

یکی از محدودیتهای کار دورکیم در نظریه کلاسیک او درباره خودکشی این بود که او به جای مطالعه تعاملات فردی در متن جامعه بر مطالعه گروه‌هایی از افراد در جامعه پرداخته بود (دیرکز،

فرضیه های تحقیق

تمایل به خودکشی تابعی مثبت از حذف محرک ارزشمند مثبت است. تمایل به خودکشی تابعی مثبت از قرار گرفتن در معرض محرک منفی است. دانشجویان با فشارهای منزلتی احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند. دانشجویان با فشارهای رابطه ای احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند. دانشجویانی که از افسردگی و خشم بالاتری برخوردارند، احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند. دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند. دانشجویانی که رفتارهای انحرافی بیشتری را تجربه کردند، احتمال بیشتری وجود دارد که به خودکشی تمایل داشته باشند. بین منابع فشار با حالات عاطفی منفی رابطه مثبت وجود دارد.

طرز کار و مطالعه

روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی و از طرح تحقیق مقطعی است، که در آن برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جمعیت تحقیق پژوهش حاضر، شامل کلیهی دانشجویان دختر و پسر (۹۹۴۰) دانشگاه مرند است که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ مشغول به تحصیل بوده‌اند. برای انتخاب حجم نمونه در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه-ای متناسب استفاده شده است و حجم نمونه نیز با فرمول کوکران

۳۷۰ محاسبه شد، اما از آنجا که پیش‌بینی می‌شد، برخی پرسشنامه‌ها ناقص تحویل داده شود یا بخشی از آنها مفقود گردد، لذا تعداد ۴۵۰ پرسشنامه توزیع گردید و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، نهایتاً ۴۳۸ پرسشنامه تحلیل شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS از آماره‌های توصیفی و استنباطی (آزمون تی، تحلیل واریانس و رگرسیون چند گانه) استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه تحقیق از اعتبار صوری و اعتبار محتوا استفاده شد. برای تعیین پایایی این تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول (۱) نتایج تحلیل پایایی متغیر وابسته و ابعاد متغیر مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ضریب آلفای مقیاسهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
فشار منزلی	۶	۰/۷۴
فشار رابطه ای	۱۲	۰/۷۹
حذف محرک مثبت	۱۰	۰/۵۹
وجود محرک منفی	۱۱	۰/۷۷
احساسات منفی	۱۷	۰/۹۰
رفتارهای انحرافی	۱۲	۰/۷۷
تمایل به خودکشی	۵	۰/۷۵

تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

فشار منزلی

هنگامی که فرد برای دستیابی به یک منزلت خاص استرس را تجربه میکند و آن منزلت برای فرد در جامعه مهم است، فشار منزلی اتفاق می‌افتد (دیرکز، ۲۰۰۷: ۱۰). برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم فشار منزلی از دو بعد منزلت میانفردی و مشغولیت در دانشگاه استفاده شده است. از مجموع شش گویه برای سنجش مفهوم فشار منزلی، یک گویه مربوط به بعد منزلت میان فردی و پنج گویه مربوط به بعد مشغولیت در دانشگاه است. تدوین گویه-های فشار منزلی بر مبنای پژوهشهای پیشین بوده است (وات و شارپ، ۲۰۰۱؛ دیرکز، ۲۰۰۷).

فشار رابطه ای

هنگامی که فرد در تلاش برای داشتن یک رابطه مثبت با خانواده و همسالانش، استرس را تجربه میکند، فشار رابطه ای اتفاق می‌افتد (دیرکز، ۲۰۰۷: ۱۱). برای سنجش و اندازه‌گیری متغیر فشار رابطه ای، از سه بعد رابطه منفی با خانواده، رابطه منفی با اساتید و دانشگاه و رابطه منفی با دوستان استفاده شده است. تدوین گویههای این مقیاس بر مبنای پژوهشهای پیشین بوده است (ویلیامز، ۲۰۰۸؛ وات و شارپ، ۲۰۰۱؛ دیرکز، ۲۰۰۷؛ پیک، ۲۰۱۱).

حذف محرک مثبت

این مقوله از فشار، شامل آن دسته از رویدادها یا شرایطی است

که در آن فرد برخی از چیزهای ارزشمند را از دست داده یا ترس از دست دادن آنها را دارد (اسواگر، ۲۰۱۱: ۸). مثال‌هایی از این مقوله عبارتند از: مرگ معشوقه، قطع کردن رابطه با یک دیگری مهم، از دست دادن یک شغل یا پایگاه با ارزش و سرقت اموال شخصی، مرگ یا بیماری جدی دوستان، طلاق یا جدایی والدین (همان؛ اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۷). معیار سنجش حذف محرک مثبت در این تحقیق بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (رابرتسون و همکاران، ۲۰۱۰؛ مازرول، ۱۹۹۸؛ فیوم، ۲۰۰۳؛ پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۰؛ فرانسیس، ۲۰۰۷؛ ژانگ و جانسون، ۲۰۰۳؛ کاستر و زینو، ۲۰۱۰) که شامل ۱۰ گویه است. بر این اساس، با ارائه فهرستی از حوادث منفی زندگی از قبیل طلاق یا جدایی والدین، مرگ یک دوست، مشکلات مالی خانواده و ... از پاسخگویان پرسیده شد که آیا هر یک از این حوادث برای شما در طول یک‌سال گذشته اتفاق افتاده است یا خیر. لذا پاسخ به هر یک از سؤال‌های این متغیر به صورت دو مقوله‌ای (بله/خیر) بوده است.

حضور محرک منفی

حضور محرک منفی به عنوان منبعی از فشار ممکن است به فعالیت‌های بزهکارانه یا مجرمانه منجر شود. محرک منفی به افزایش چیزهایی اشاره دارد که در زندگی یک فرد منفی بوده و چندان مطلوب نیستند (برگرن، ۲۰۱۰: ۱۸). مثال‌هایی از این محرک‌های منفی عبارتند از: سوء استفاده جسمی، جنسی یا روحی، بیکاری طولانی مدت، تنبیه فیزیکی (آسلین، ۲۰۰۹: ۱۰) روابط منفی با همالان، خانواده و معلمان (فرانسیس، ۲۰۰۷: ۱۹). برای سنجش و اندازه‌گیری متغیر حضور محرک منفی از سه بعد روابط منفی با همسالان، فشار مالی و فشار تحصیلی استفاده شده است. تدوین گویههای این مقیاس بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (وارهام، ۲۰۰۵؛ اکرم‌ان، ۲۰۰۹؛ مون و همکاران، ۲۰۰۷).

حالات عاطفی منفی

به اعتقاد اگنیو، افرادی که با افسردگی، ناامیدی و یأس به موقعیت فشارزا واکنش نشان می‌دهند، ممکن است به اعمال خود تخریبی مانند مصرف مواد یا خودکشی روی بیاورند، چون آنها فاقد انگیزهای قوی برای انتقام (دراپلا، ۲۰۰۶: ۷۵۶). برای سنجش و اندازه‌گیری متغیر احساسات منفی در این تحقیق از دو بعد افسردگی و خشم استفاده شده است. از مجموع هفده گویه برای متغیر حالات عاطفی منفی بعد افسردگی دارای ده گویه و بعد خشم نیز دارای هفت گویه است. تدوین گویههای این مقیاس نیز بر مبنای پژوهشهای پیشین بوده است (پورسر، ۲۰۱۰؛ پیک، ۲۰۱۱؛ های، ۲۰۱۰؛ والا، ۲۰۰۷؛ سیگفودتیر، ۲۰۰۸؛ دیرکز، ۲۰۰۷؛ گالوپ، ۲۰۰۶؛ آسلین و همکاران، ۲۰۰۰؛ پاتچین و هیندوجا، ۲۰۱۰؛ وق، ۲۰۱۱).

رفتار انحرافی

انحراف میتواند به عنوان یک عمل ناهمنوا با مجموعه‌ای از

هنجارهایی که مورد پذیرش اکثر مردم در یک اجتماع و یا جامعه باشد، تعریف شود. رفتاری که به نحوی، دور از آن چیزی است که یک گروه انتظار انجام آن را دارند، تخطی از هنجارهای مورد وفاق یا قوانین اجتماعی که واکنشهایی مانند مخالفت، ترس، سوءظن، خصومت و خشم را در پی خواهد داشت. برای سنجش و اندازه‌گیری متغیر رفتار انحرافی مجموعاً از دوازده گویه استفاده شده و تدوین گویه‌های آن نیز بر مبنای پژوهشهای پیشین بوده است (مون و همکاران، ۲۰۰۷؛ علیوردینیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ ویلیامز، ۲۰۰۸؛ خاکزاد، ۱۳۹۱؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶).

تمایل به خودکشی

اصطلاح تمایل به خودکشی به طیفی از اظهارات خودکشانه اشاره دارد که از تفکر در مورد خودکشی (مثل ایده‌پردازی خودکشانه) تا ارائه یک طرح، اقدام به خودکشی و نهایتاً خودکشی کامل را در بر میگیرد (فلامبایوم، ۲۰۰۹: ۱). تدوین گویه‌های تمایل به خودکشی بر اساس مقیاس تمایل به خودکشی تورلیندسون و جرنیسون (۱۹۹۸) است. این مقیاس از پنج گویه تشکیل شده است که دارای دو بعد ایده‌پردازی خودکشی و اقدام عملی برای خودکشی است.

یافته های تحقیق

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصدی تمایل به خودکشی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصدی تمایل به خودکشی پاسخگویان بر حسب جنسیت

ردیف	گویه	شدت	پسر		دختر		جمع کل	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	آیا تاکنون فکر اقدام به خودکشی به ذهنتان خطور کرده است؟	خیر	۱۰۲	۶۸/۵	۱۹۶	۶۷/۸	۱۵۰	۶۸
		۱ تا ۲ بار	۳۲	۲۱/۵	۶۷	۲۳/۲	۹۹	۲۲/۶
		۳ تا ۴ بار	۴	۲/۷	۱۳	۴/۵	۱۷	۳/۹
		۵ تا ۶ بار	۳	۲	۱	۰/۳	۴	۰/۹
		۷ بار و بیشتر	۸	۵/۴	۱۲	۴/۲	۲۰	۴/۶
۲	آیا تا کنون به طور جدی در مورد اقدام به خودکشی فکر کرده‌اید؟	خیر	۱۲۴	۸۳/۲	۲۵۲	۸۷/۲	۳۷۶	۸۵/۸
		۱ تا ۲ بار	۱۶	۱۰/۷	۲۶	۹	۴۲	۹/۶
		۳ تا ۴ بار	۳	۲	۵	۱/۷	۸	۱/۸
		۵ تا ۶ بار	۱	۰/۷	۲	۰/۷	۳	۰/۷
		۷ بار و بیشتر	۵	۳/۴	۴	۱/۴	۹	۲/۱
۳	آیا تا کنون در مورد برنامه‌ریزی برای خودکشی با کسی حرف زده اید؟	خیر	۱۲۸	۸۵/۹	۲۵۵	۸۸/۲	۳۸۳	۸۷/۴
		۱ تا ۲ بار	۱۳	۸/۷	۲۶	۹	۳۹	۸/۹
		۳ تا ۴ بار	۴	۲/۷	۶	۲/۱	۱۰	۲/۳
		۵ تا ۶ بار	۱	۰/۷	-	-	۱	۰/۲
		۷ بار و بیشتر	۳	۲	۲	۰/۷	۵	۱/۱
۴	آیا تاکنون (در طول عمرتان) دست به خودکشی زده اید؟	خیر	۱۴۳	۹۶	۲۷۵	۹۵/۲	۴۱۸	۹۵/۴
		۱ تا ۲ بار	۴	۲/۷	۸	۲/۸	۱۲	۲/۷
		۳ تا ۴ بار	۲	۱/۳	۵	۱/۷	۷	۱/۶
		۵ تا ۶ بار	-	-	۱	۰/۳	۱	۰/۲
		۷ بار و بیشتر	-	-	-	-	-	-
۵	آیا در طی یک سال گذشته مبادرت به خودکشی کرده‌اید؟	خیر	۱۴۶	۹۸	۲۸۱	۹۷/۲	۴۲۷	۹۷/۵
		۱ تا ۲ بار	۳	۲	۸	۲/۸	۱۱	۲/۵
		۳ تا ۴ بار	-	-	-	-	-	-
		۵ تا ۶ بار	-	-	-	-	-	-
		۷ بار و بیشتر	-	-	-	-	-	-

جدول ۲ توزیع فراوانی و درصدی تمایل به خودکشی پاسخگویان را بر حسب جنسیت نشان میدهد. اعداد مندرج در جدول فوق گویای آن است که بیشترین میزان موافقت از سوی پاسخگویان نسبت به گویه «آیا تا کنون فکر اقدام به خودکشی به ذهنتان خطور کرده است؟» ابراز شده است؛ به طوری که ۴/۶ درصد از آنان اعلام کردند که تاکنون هفت بار و بیشتر در مورد خودکشی فکر کرده اند. همچنین، ۲۲/۶ درصد از آنان اعلام نمودند که تاکنون یک تا دو بار فکر خودکشی به ذهنتان خطور کرده است. حدود ۶۸ درصد از پاسخگویان نیز با گزینه خیر به این گویه پاسخ دادند. پس از آن حدود ۲/۱ درصد از پاسخگویان تاکنون هفت بار و بیشتر و ۹/۶ درصدشان یک تا دو بار به صورت جدی در مورد خودکشی فکر کرده اند. ۸۵/۸ درصد از آنان نیز با انتخاب گزینه خیر به این گویه پاسخ دادند. بیشترین میزان مخالفت نیز به گویه اقدام به خودکشی در طی یکسال گذشته اختصاص داده شده است؛ به طوری که ۹۷/۵ درصد از پاسخگویان با انتخاب گزینه خیر به آن پاسخ دادند. حدود ۲/۵ درصد از پاسخگویان یک تا دو بار طی یکسال گذشته به آن مبادرت نموده اند و هیچ کدام از پاسخگویان بیش از ۱ تا ۲ بار به این عمل اقدام نموده اند.

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان فشار منزلتی

جنسیت فشار منزلتی	پسر		دختر		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کم	۴۰	۲۶/۸	۱۱۶	۴۰/۱	۱۵۶	۳۵/۶
متوسط	۸۷	۵۸/۴	۱۵۹	۵۵	۲۴۶	۵۶/۲
زیاد	۲۲	۱۴/۸	۲۲	۱۴/۸	۳۶	۸/۲
جمع کل	۱۴۹	۱۰۰	۲۸۹	۱۰۰	۴۳۸	۱۰۰

برای ساختن این متغیر، ابتدا متغیر آرزوی فرد برای ادامه تحصیل با گویههای مربوط به این متغیر با هم ترکیب و سپس رتبه بندی شده است. بر اساس داده های جدول ۲، ۵۱/۴ درصد (۲۲۵ نفر) از پاسخگویان میزان فشار منزلتی خود را در حد متوسط و ۴۱/۸ درصد (۱۸۳ نفر) در حد کم گزارش کرده اند. بدین سان، میتوان این گونه بیان کرد که حدود ۹۳/۲ درصد پاسخگویان فشار منزلتی کم و متوسط از خود نشان داده اند که در این میان درصد دختران (۹۵/۹ درصد) بیشتر از پسران (۸۷/۹ درصد) است. به طور کلی، داده ها نشان میدهد که پاسخگویان پسر بیشتر از پاسخگویان دختر فشار منزلتی را در زندگی خود تجربه کرده اند.

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان فشار رابطه ای

جنسیت فشار رابطه ای	پسر		دختر		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کم	۵۵	۳۶/۹	۱۵۳	۵۲/۹	۲۰۸	۴۷/۵
متوسط	۸۴	۵۶/۴	۱۲۴	۴۲/۹	۲۰۸	۴۷/۵
زیاد	۱۰	۶/۷	۱۲	۴/۲	۲۲	۵
جمع کل	۱۴۹	۱۰۰	۲۸۹	۱۰۰	۴۳۸	۱۰۰

همانگونه که داده های جدول (۴) نشان میدهند، حدود ۴۷/۵ درصد از پاسخگویان میزان فشار رابطه ای را به طور مشابه در حد کم و متوسط در روابط خویش ارزیابی میکنند. این در حالی است که تنها ۵ درصد از آنها ارزیابییشان را در حد زیاد گزارش کرده اند. علاوه بر این، ۶/۷ درصد از پسران در مقابل ۴/۲ درصد از دختران میزان فشار رابطه ای را در حد زیاد اعلام نمودند. بر این اساس، میتوان گفت پسران میزان بیشتری از فشار رابطه ای را در روابط خویش تجربه کرده اند.

جدول ۵- آزمون تفاوت میانگین متغیرهای مستقل تحقیق بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	Std.D	t	Sig
فشار منزلی	پسر	۱۸/۱۴	۴/۲۱	۴/۲۵	۰/۰۰۰
	دختر	۱۶/۵۱	۳/۷۰		
فشار رابطه ای	پسر	۹۱/۹۵	۴۱/۰۶	۳/۴۴۷	۰/۰۰۱
	دختر	۷۸/۳۱	۳۸/۲۵		
حذف محرک مثبت	پسر	۱۲/۶۵	۱/۸۹	۴/۴۳۷	۰/۰۰۰
	دختر	۱۱/۸۷	۱/۶۵		
حضور محرک منفی	پسر	۱۳۹/۶	۴۹/۴۳	۴/۰۷۳	۰/۰۰۰
	دختر	۱۲۰/۳۷	۴۵/۶۲		
احساسات منفی	پسر	۶۱/۳۱	۳۷/۷۷	۱/۳۷۰	۰/۱۶۴
	دختر	۵۶/۱۸	۳۵/۷۹		
رفتارهای انحرافی	پسر	۲۰/۴۸	۷/۵۶	۷/۳۵۹	۰/۰۰۰

جدول ۵ نتایج آزمون تفاوت میانگین متغیرهای مستقل را بر حسب جنسیت پاسخگویان به نمایش گذاشته است. همان گونه که داده های جدول فوق نشان میدهد، تفاوت معناداری بین میانگین فشار منزلی و رابطه ای پسران و دختران با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۱ وجود داشته است. بر این اساس، پسران نسبت به دختران میزان بیشتری از فشار رابطه ای و منزلی را در زندگی خود تجربه کرده اند. همچنین، بر طبق نتایج آزمون t مشخص شد که میانگین حذف محرک مثبت، حضور محرک منفی و رفتارهای انحرافی (با سطح معناداری ۰/۰۰۰)، در بین پسران از دختران بیشتر بوده است و این تفاوت به لحاظ آماری نیز معنادار است. و در نهایت نیز مشخص شد بین میانگین احساسات منفی در بین پسران و دختران (با سطح معناداری ۰/۱۶۴) تفاوت معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد.

جدول ۶- تمایل به خودکشی و ابعاد آن با کنترل اثر متغیر جنسیت و رفتارهای انحرافی و متغیرهای تعاملی

متغیر فشار	متغیرهای مستقل		ایده پردازی خودکشی		اقدام به خودکشی		تمایل به خودکشی	
	sig	بتا	sig	بتا	sig	بتا	sig	بتا
متغیر فشار	۰/۱۴۵	۰/۰۰۵	۰/۰۶۳	۰/۲۸۶	۰/۱۴۰	۰/۰۰۷	۰/۱۳۵	۰/۰۱۵
	فشار منزلی							
	۰/۱۳۵	۰/۰۱۵	۰/۰۴۶	۰/۴۶۲	۰/۱۲۷	۰/۰۲۳	۰/۱۵۰	۰/۰۰۱
	فشار رابطه ای							
متغیر میانجی	۰/۱۵۵	۰/۰۰۱	۰/۰۷۶	۰/۱۴۳	۰/۱۴۷	۰/۰۰۱	۰/۰۴	۰/۰۹۳۷
	حذف محرک مثبت							
	۰/۱۵۵	۰/۰۰۱	۰/۰۸۵	۰/۱۷۱	۰/۰۲۱	۰/۰۶۹۸	۰/۱۵۵	۰/۰۶۳۴
	حضور محرک منفی							
متغیرهای کنترلی	۰/۰۲۳	۰/۰۷۸۴	۰/۰۱۷	۰/۸۶۲	۰/۰۲۴	۰/۰۷۸۲	۰/۰۲۳	۰/۰۷۸۴
	جنسیت							
	۰/۰۹۳	۰/۳۰۸	۰/۰۲۸	۰/۷۸۹	۰/۰۷۵	۰/۰۴۱۴	۰/۰۹۳	۰/۳۰۸
	رفتارهای انحرافی							
متغیرهای تعاملی	۰/۰۱۴	۰/۹۶۴	۰/۲۰۲	۰/۵۶۹	۰/۰۵۴	۰/۰۸۶۴	۰/۰۱۴	۰/۹۶۴
	جنسیت × عواطف منفی							
	۰/۳۴۳	۰/۲۶۹	۰/۳۳۱	۰/۳۵۲	۰/۲۳۱	۰/۰۴۶۱	۰/۳۴۳	۰/۲۶۹
	رفتارهای انحرافی × عواطف منفی							
خلاصه مدل	۰/۲۰۸	۰/۴۱۷	۰/۵۰۱	۰/۰۸۹	۰/۲۸۴	۰/۲۷۲	۰/۲۰۸	۰/۴۱۷
	جنسیت × رفتارهای انحرافی × عواطف منفی							
	R	۰/۵۵۸	۰/۲۹۹	۰/۵۴۳				
	R square	۰/۳۱۱	۰/۰۹۰	۰/۲۹۵				
	F Value	۱۹/۲۵۸	۴/۲۰۵	۱۷/۸۲۵				

تمایل به خودکشی در میان دانشجویان بررسی شود. به منظور آزمون فرضیات اصلی پژوهش، متغیر تمایل به خودکشی به عنوان متغیر وابسته در ارتباط با متغیرهای فشار منزلی، فشار رابطه ای، حذف محرک مثبت، حضور محرک منفی، حالات عاطفی منفی و رفتارهای انحرافی قرار گرفت. از تجزیه و تحلیل یافته ها در قالب روشهای آماری فوق، نتایج زیر به دست آمده است:

فرضیه ای که تمایل به خودکشی را تابعی مثبت از حذف محرک مثبت ارزشمند میدانست، تأیید شد. فشار ممکن است به این خاطر رخ دهد که فرد محرکی ارزشمند را از دست داده یا ترس از دست دادن آن را دارد (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۷). بر این اساس، به موازات افزایش محرکهای مثبت حذف شده برای فرد، میزان تمایل به خودکشی نیز افزایش میابد. به استدلال اگنیو، هنگامی که افراد سعی میکنند تا از، از دست دادن این محرکها جلوگیری کنند، خودشان در اعمال خلاف درگیر میشوند (پک، ۲۰۱۱: ۱۳). حذف محرک مثبت در قالب معرفهایی از رویدادهای منفی زندگی، از قبیل: مرگ معشوقه، قطع کردن رابطه با یک دیگری مهم، طلاق یا جدایی والدین، مرگ یا بیماری یک دوست، اخراج شدن از مدرسه و غیره است که در ارتباط مثبت با بزهکاری قرار دارد (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۷) و به احتمال زیاد به بزهکاری منجر می شود، زیرا اغلب در ارتباط با پیوندهای قوی اجتماعی (مثل دلبستگی به خانواده) قرار دارد (فرانسیس، ۲۰۰۷: ۱۹). از این رو، هنگامی که فرد سعی در مقابله با حذف محرک مثبت دارد، یا به دنبال انتقام از کسانی است که آن انگیزه مثبت را از او گرفته اند و یا زمانی که سعی در جایگزین کردن آن با استفاده از وسایل نامشروع و غیر مجاز دارد، ممکن است در رفتارهای انحرافی مثل خودکشی درگیر شود (وارهام، ۲۰۰۵: ۲۶)، چون چنین رفتارهایی به مدیریت یا کاهش وقایع و موقعیتهایی که ممکن است سبب فشار در زندگی-شان شود، کمک میکند (برگرن، ۲۰۱۰: ۱۶). یافته های تحقیق حاضر بر اساس متغیر حذف محرک مثبت با نتایج تحقیقات انجام شده توسط روچکین و همکاران در سال ۲۰۰۳؛ وایت و ژانگ در سال (۲۰۰۱) در خصوص ارتباط بین بیسپرستی (به عنوان حذف محرک مثبت) با رفتارهای خودکشانه در گروه های غیر آمریکایی و هندی مطابقت داشته است. علاوه بر این، تأیید این فرضیه همسو با تحقیق انجام شده توسط فرانسیس در سال ۲۰۰۷ است که در آن بین از دست دادن یک دیگری مهم به عنوان حذف محرک مثبت و رفتارهای خودکشانه ارتباط معناداری وجود دارد.

یکی دیگر از فرضیه هایی که توانست از آزمون رد عبور کند، حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین فشار منزلی و تمایل به خودکشی دانشجویان است. بر این اساس، هر چه فرد برای رسیدن به یک منزلت خاص که برای او در جامعه مهم است، استرس بیشتری را تجربه کند، تمایل بیشتری نسبت به خودکشی خواهد داشت. فشار منزلی در پژوهش حاضر دارای دو بعد منزلت میان

نتایج مندرج در جدول ۶ نشان میدهد که در بعد ایده پردازی همبستگی چندگانه (R) معادل ۵۶ درصد محاسبه شده است. این مطلب گویای این است که چهار متغیر مستقل (متغیر فشار منزلی، فشار رابطه ای، حذف محرک مثبت و وجود محرک منفی)، دو متغیر میانجی (خشم و افسردگی)، دو متغیر کنترلی (جنسیت و رفتارهای انحرافی) و متغیرهای تعاملی به طور همزمان ۵۶ درصد با بعد ایده پردازی در ارتباط هستند. ضریب تعیین (R^2) نیز ۳۱ درصد محاسبه شده است؛ به این معنی که حدود ۳۱ درصد از تغییرات ایده پردازی خودکشی توسط یازده متغیر نامبرده در بالا توضیح داده می شود. همچنین، ضرایب تأثیر استاندارد حاکی از آن است که متغیرهای حذف محرک مثبت ($\beta = 0.15$)، فشار منزلی ($\beta = 0.145$) و فشار رابطه ای ($\beta = 0.135$) به ترتیب مهمترین پیشبینیکننده های متغیر ایده پردازی خودکشی هستند.

در بعد اقدام به خودکشی همبستگی چندگانه (R) معادل ۳۰ درصد محاسبه شده است؛ به این معنی که چهار متغیر مستقل (متغیر فشار منزلی، فشار رابطه ای، حذف محرک مثبت و وجود محرک منفی)، دو متغیر میانجی (خشم و افسردگی)، دو متغیر کنترلی (جنسیت و رفتارهای انحرافی) و متغیرهای تعاملی به طور همزمان ۳۰ درصد با اقدام به خودکشی در ارتباط هستند. ضریب تعیین (R^2) نیز ۹ درصد محاسبه شده است؛ یعنی ۹ درصد از تغییرات اقدام به خودکشی در دانشجویان از طریق یازده متغیر مذکور توضیح داده میشود. از بین یازده متغیر وارد شده به روش جبری در مدل، هیچ کدام از آنها با متغیر اقدام به خودکشی ارتباط معناداری را نشان نداده اند. بر اساس، داده های جدول در متغیر تمایل به خودکشی همبستگی چندگانه (R) معادل ۵۴ درصد محاسبه شده است. بر این اساس چهار متغیر مستقل (متغیر فشار منزلی، فشار رابطه ای، حذف محرک مثبت و وجود محرک منفی)، دو متغیر میانجی (خشم و افسردگی)، دو متغیر کنترلی (جنسیت و رفتارهای انحرافی) و متغیرهای تعاملی به طور همزمان ۵۴ درصد با تمایل به خودکشی در ارتباط هستند. ضریب تعیین (R^2) نیز تقریباً ۳۰ درصد محاسبه شده است. همچنین، ضرایب تأثیر استاندارد گویای این است که از میان یازده متغیر وارد شده به مدل، متغیرهای حذف محرک مثبت ($\beta = 0.147$)، فشار منزلی ($\beta = 0.140$) و فشار رابطه ای ($\beta = 0.127$) به ترتیب قویترین پیش بینی کنندگی های متغیر تمایل خودکشی بوده اند.

بحث و نتیجه گیری

همان گونه که پیش از این اشاره شد، خودکشی سومین علت عمده مرگ در گروه سنی ۱۵-۲۴ سال و دومین علت عمده مرگ در میان دانشجویان محسوب میشود. پس میتوان گفت دانشجویان به عنوان قشر جوان جامعه، از جمله گروه های سنی آسیب پذیر در برابر خودکشی هستند. از این رو، هدف از تحقیق حاضر، سنجش و آزمون مدل نظری بود که در آن عوامل متعددی در ارتباط با

فردی و مشغولیت در دانشگاه بوده است که یافته ها همچنین حاکی از ارتباط مستقیم و معنادار بین فشار منزلی و ایدهدردازی خودکشی نیز بوده است. یافته های تحقیقات قبلی مثل دیرکز (۲۰۰۷) و وات و شارپ (۲۰۰۱) حاکی از رابطه مستقیم و معنادار بین فشار منزلی و ایدهدردازی است. همچنین، لوینسون و همکاران (۱۹۹۶) و ریچاردسون و همکاران (۲۰۰۵) به ترتیب در تحقیقشان به این نتیجه رسیدند که بین معدل و ایدهدردازی خودکشی و موفقیت تحصیلی ضعیف و رفتارهای خودکشانه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج تحقیق همچنین بیانگر آن است که دانشجویان با فشار رابطه ای احتمال بیشتری وجود دارد به خودکشی تمایل داشته باشند. فشار رابطه ای زمانی رخ میدهد که افراد در تلاش برای داشتن یک رابطه مثبت با خانواده یا همالان خود، استرس را تجربه میکنند. از این رو، هر چه فرد در معرض روابط منفی بیشتری با دیگران باشد، تمایل بیشتری به خودکشی خواهد داشت. نتایج پژوهشهای قبلی مثل: وات و شارپ، ۲۰۰۱؛ پرینستین، ۲۰۰۳؛ هانا، ۲۰۰۴؛ لوینسون و همکاران، ۱۹۹۶؛ پرینستن و همکاران، ۲۰۰۰ نیز وجود این رابطه را تأیید نمودند. فرضیه دیگری که توانست از آزمون رد عبور نماید، مبنی بر این است که بین منابع فشار با حالات عاطفی منفی رابطه مثبت وجود دارد. به اعتقاد اگنیو، حالات عاطفی منفی عناصر اساسی در نظریه فشار عمومی هستند. افرادی که فشار را تجربه میکنند، ممکن است عواطف منفی از قبیل: خشم، افسردگی و یا اضطراب را گسترش دهند که در حقیقت، این عواطف منفی روشی برای تسکین دادن فشار درونی است (علیوردی نیا، ۱۳۸۶: ۹۵). بنابراین، فرضیه اگنیو تأیید شد. این رابطه در بسیاری از تحقیقات خارجی مثل فرانسیس، ۲۰۰۷؛ وق، ۲۰۱۱؛ اسواکر، ۲۰۱۱ تأیید شد و در برخی از تحقیقات مانند پیکوترو و سیلاک ۲۰۰۴ اثر فشار بر خشم هم در بین دختران و هم پسران مثبت و معنادار است و اثبات میکند افرادی که در معرض فشار بیشتری هستند، سطوح بالاتری از خشم را تجربه میکنند. به عبارتی واضحتر، از میان چهار متغیر وارد شده در مدل، فشار منزلی تنها با احساس افسردگی رابطه معناداری از خود نشان داده و هیچ رابطه معناداری بین آن و احساس خشم وجود نداشته است. بر خلاف فشار منزلی، فشار رابطه ای با دارا بودن سه بعد (رابطه منفی با خانواده، رابطه منفی با اساتید و دانشگاه و رابطه منفی با دوستان) هم در پسران و هم در دختران به افزایش احساسات منفی خشم و افسردگی منجر شده است. از این رو، هرچه میزان فشار رابطه ای افزایش یابد، حالات عاطفی منفی (خشم و افسردگی) نیز افزایش مییابد. وجود این رابطه در تحقیق باو و همکاران (۲۰۰۴) هم اثبات شده است. بین حذف محرک مثبت و حالات عاطفی منفی نیز رابطه مستقیمی وجود دارد که این رابطه را محققانی همچون پیکوتر و همکاران (۲۰۱۰) و خاکزاد (۱۳۹۱) نیز در پژوهشهای خود تأیید کردند. در رابطه با حضور محرک منفی نیز نتایج این بخش مبین وجود رابطه مستقیم و معنادار بین حضور محرک منفی و حالات عاطفی منفی است (مون و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۸۴). استروئسکی و منسسر (۲۰۰۰) و وارنر (۲۰۰۳) نیز در تحقیقات خود به نتایج مشابهی دست یافته اند. به طور کلی از بین هشت فرضیه مطرح شده در تحقیق در حالیکه چهار فرضیه مذکور مورد تأیید قرار گرفتند، اما بین متغیرهای حضور محرک منفی، حالات عاطفی منفی، جنسیت، رفتارهای انحرافی و تمایل به خودکشی ارتباط معناداری مشاهده نشده است. از یافته های مهم این مطالعه این بود که متغیر حذف محرک مثبت با داشتن بیشترین سهم مهمترین مؤلفه برای تبیین خودکشی در نمونه مورد بررسی میباشد. همچنین مفاهیمی دیگر از این نظریه اگنیو یعنی فشار منزلی و رابطه ای نیز از جمله عوامل مهمی میباشد که بعد از حذف محرک مثبت بر تمایل به خودکشی اثرگذار بوده اند.

منابع

- پناغی، لیلی؛ احمد آبادی، زهره؛ پیروی، حمید؛ ابوالمعصومی، زهرا. (۱۳۸۹). «روند خودکشی دانشجویان در فاصله سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۸۷»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال شانزدهم، ش ۲، ص ۸۷-۹۸.
- پناغی، لیلی؛ پیروی، حمید؛ ابوالمعصومی، فائزه زهرا؛ سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۷). «بررسی فراوانی خودکشی دانشجویی و ارتباط آن با خصوصیات جمعیت شناختی در سالهای ۸۵-۸۳ در مراکز پزشکی قانونی سراسر کشور»، مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دفتر مرکزی مشاوره و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- خاکزاد، زینب. (۱۳۹۱). تبیین تفاوتهای جنسیتی در رفتارهای انحرافی از دیدگاه نظریه فشار عمومی، پایاننامه کارشناسی ارشد، بابلرس: دانشگاه مرند.
- رضایی آدریانی، مرتضی؛ آزادی، آرمان؛ احمدی، فضل الله؛ واحدیان عظیمی، امیر. (۱۳۸۶). «مقایسه میزان افسردگی، اضطراب، استرس و کیفیت زندگی دانشجویان پسر و دختر مقیم خوابگاههای دانشجویی»، پژوهش پرستاری، دوره ۲، شماره ۴، ص ۳۱-۳۸.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). مسائل اجتماعی ایران: مجموعه مقالات، انجمن جامعه شناسی ایران، تهران، نشر آگاه.
- علیوردی نیا، اکبر. (۱۳۸۹). جامعه شناسی کارتن خوابی، تهران: نشر جامعه شناسان.
- علیوردی نیا، اکبر؛ رضایی، احمد؛ پیروی، فریبرز. (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه شناختی گرایش دانشجویان نسبت به خودکشی»، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۴)، شماره چهارم، ص ۱-۱۸.
- علیوردینیا، اکبر؛ ریاحی، محمد اسماعیل؛ موسویچاشمی، ملیحه. (۱۳۸۶). «مطالعه جامعه شناختی بز هکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هشتم، ش ۲، ص ۸۳-۱۱۱.
- محمودی نیا، ندا؛ رضایی، محمدعلی؛ سمیعی زاده طوسی، طیبه؛ دربان، فاطمه. (۱۳۹۱). «بررسی فراوانی افکار خودکشی در دانشجویان علوم پزشکی»، فصلنامه افق پرستاری، دوره اول، شماره اول، ص ۸۳-۹۱.